

ایران آباد



آن روز، موضوع درس ما «میهن» بود رسم کلاس ما این بود که هر یک از گروه‌های دانش‌آموزان، ابتدا چند دقیقه‌ای «درباره‌ی موضوع درس با هم مشورت و گفت‌وگو می‌کردند.

بعد یک نفر به نمایندگی از طرف گروه، سخن می‌گفت. این بار هم به شکل گروهی به هم فکری و بحث «درباره‌ی «میهن» پرداختیم.

پس از گفت‌وگوی گروهی، نخست نماینده‌ی گروه «جغرافیا» گفت: «به نظر ما، همه‌ی کسانی که در مناطق مرزی میهن زندگی می‌کنند، گهبار اصلی وطن هستند. ما مرزنیان را که انسان‌هایی پرتلاش هستند، خیلی دوست داریم.»

از میان گروه «تاریخ»، یکی برخاست و گفت: «ما فکر می‌کنیم که همه‌ی مردم، باید گذشته و تاریخ میهن خود را خوب بشناسند؛ از تاریخ، درس‌های زیادی می‌توان آموخت.»

نماینده‌ی گروه «زبان» گفت: «برخی از ما در مناطق مختلف کشور، به زبان مادری و محلی خود حرف می‌زنیم؛ زبان‌های محلی،



کنجینه‌ای با ارزش هستند ولی زبان فارسی، زبان ملی ما ایرانیان است و برای حفظ میهن، بسیار با اهمیت است.»

از گروه «دانش»، یکی بلند شد و گفت: «آنچه برای یک کشور، مهم است پیشرفت در زمینه‌های علمی و کشاورزی است. اگر ما در علم و صنعت پیشرفت کنیم، میهن ما همه جا معروف و سر بلند می‌شود.»



باس بابایی

در این هنگام، نماینده‌ی گروه «همبستگی» گفت: «دوستان! ما فکری کنیم چیزی که بیشتر از ما برای پاسداری از میهن لازم است، تکیه به قرآن و اسلام و پیروی از رهبر است که باعث اتحاد مردم می‌شود. ما اگر همیشه یادور هم باشیم و از خدای بزرگ یاری بجوئیم، موفق می‌شویم.»



باس دوران

یکی از اعضای گروه «لاله» گفت: «ما می‌خواهیم درباره‌ی رزمندگان صحبت کنیم که در طول هشت سال دفاع مقدس، شجاعانه جنگیدند و از وطن دفاع کردند. شاید شما هم مانند من، دوست دارید در آینده خلبان شوید. بهتر است بدانید: خلبانانی مانند شهیدان عباس بابایی، مصطفی اردستانی، علی اکبر شیرودی، احمد کشوری و عباس دوران، دلاوران پرواز کردند و میهن را حفظ کردند. آن‌ها اجازه ندادند حتی یک وجب از خاک میهن به دست دشمن بیفتد.»



علی اکبر شیرودی

آموزگار که تا آن هنگام، با دقت به علاقه به صحبت‌های بچه‌ها گوش می‌داد، با خوش حالی، جلوی کلاس آمد و گفت: «بچه‌های عزیز! بسیار مهم است که هر ایرانی، به خوبی به وظیفه‌ی خود عمل کند؛ تا با همدلی و همکاری، ایرانی آباد داشته باشیم.»